



تماشای قد و بالای نازنین انشا

نخستین همایش ملی انشا و نویسندگی برگزار شد

گزارشگر: سمانه آزاد
عکاس: مریم فرحی



به گفته بسیاری از کارشناسان آموزش و پرورش، انشا در برنامه درسی دوره‌ها و پایه‌های گوناگون، درسی مغفول است که چه دانش‌آموزان و چه خانواده‌ها آن را جدی نمی‌گیرند. شاید به همین دلیل باشد که حتی دانشجویانمان نیز توانایی به نگارش درآوردن اندیشه خود را ندارند و پژوهش‌هایشان ترکیبی است از جملات منابع گوناگون. با توجه به این آسیب، نخستین همایش ملی انشا و نویسندگی با عنوان «نگاهی نو به برنامه درسی انشا» در اردیبهشت‌ماه سال جاری در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. این همایش به همت پژوهشکده فرهنگ پژوهی «دانشگاه علامه طباطبایی» و همکاری نهادهایی همچون «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و «انجمن مطالعات

دکتر سلیمی:
از آنجا که بنیاد آموزش و پرورش بر حفظیات است، چیزی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، چگونگی تبدیل حفظیات به هنر آزمون‌دهی است

برنامه درسی ایران»، برگزار شد. ارائه مقالاتی با محوریت انشا و نویسندگی، چگونگی تقویت این مهارت در دانش‌آموزان، رویکرد فرهنگی به موضوع نوشتن و... از بخش‌های این همایش بود. خانم **ماساکو واتانابه**، استاذ دانشگاه ناگویای ژاپن و نویسنده کتاب «پرورش هنر استدلال» نیز مهمان ویژه این مراسم بود.

در ابتدای مراسم، دکتر **حسین سلیمی**، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی، با اشاره به اهمیت انشا در فرهنگ ایرانی اسلامی گفت: «انشا در فارسی و عربی به معنای خلق کردن و خلاقیت - آن‌گونه که خداوند انسان را خلق می‌کند - است. خداوند درباره خلق انسان از واژه انشا استفاده می‌کند که به معنای دمیدن روح و چیزی فراتر از چیده شدن اعضا کنار هم است. وقتی با این دید به

انشا نگاه کنیم، می‌بینیم که انشا و نویسندگی با گردآوردن صرف کلمات در یک مجموعه نوشتاری متفاوت است.» سلیمی تأکید کرد: «در دینتی که بزرگ‌ترین معجزه آن از جنس انشا و نوشتار است و در فرهنگ ایرانی که با سخن پیراسته شناخته می‌شود، انتظار می‌رود به تولید سخن در محیط پیراسته انشا توجه بیشتری شود.»

وی ناتوانی در نوشتن را یک آسیب دانست و افزود: «من به این نکته به‌عنوان یک آسیب بزرگ تأکید می‌کنم؛ آسیبی که هم نظام آموزش و پرورش و هم نظام آموزش عالی دچارش است و ما آن را در دانشگاه به‌طور جدی لمس می‌کنیم. متأسفانه از آنجا که بنیاد آموزش و پرورش بر حفظیات است، چیزی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، چگونگی تبدیل



نوشتن، اساس اندیشه‌ورزی

رئیس دانشگاه علامه طباطبایی با تأکید بر نقش آموزش و پرورش در ایجاد مهارت نوشتن در دانش‌آموزان گفت: «شاید دانش‌آموزان و دانشجویان تقصیری نداشته باشند. ساختار آموزشی چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی، آن‌ها را این‌گونه تربیت کرده است. زمان امتحان دادن، آن‌ها نهایت مهارت خود را در اقناع استاد برای گرفتن نمره به کار می‌برند، اما هنگام خلق اندیشه چه؟ توانایی‌های آن‌ها در گنجاندن اندیشه‌شان در قالب متنی صحیح بسیار اندک است و من شدت این موضوع را در حد یک بحران می‌دانم.»

دکتر سلیمی، رسیدگی به همین آسیب و بحران را انگیزه برگزاری همایش ملی انشا و نویسندگی دانست و ادامه داد: «دلیل اهمیت این همایش همین آسیب است که به خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی وجود دارد. ما باید فکری به حال این آسیب کنیم، وگرنه بنیاد آموزش و پژوهش و اندیشه‌ورزی در حوزه علوم اجتماعی و انسانی به خطر می‌افتد. اکنون در جامعه ما سخن از اندیشه‌ورزی

حفظیات به هنر آزمون‌دهی است. در عوض، شناخت و انشا و خلاقیت و گنجاندن مفاهیم منبعث از خلاقیتشان درون ساختارهای پیراسته متنی و انشاهای پالایش شده، از ذهن و انگیزه‌های آن‌ها رخت برمی‌بندد. نتیجه چنین نظام آموزشی این است که گران‌ترین مدارس ما آن‌هایی هستند که انگیزه‌های شناختی را در دانش‌آموزان کاهش می‌دهند و آن‌ها را به تمرینات تکراری و خسته‌کننده در امتحان دادن و تست زدن مجبور می‌کنند. ما هم در دانشگاه با چنین دانشجویانی روبه‌رو هستیم؛ بچه‌های قلم به دستی که آن‌ها نه برای انشا و فقط برای نگارش جملات استاد و برگرداندنش روی ورقه امتحان به کار می‌برند. حتی وقتی پژوهشی به آن‌ها سپرده می‌شود، جملاتی را از کتاب‌ها و اینترنت پیدا می‌کنند و به شیوه‌های متفاوت گرد هم می‌آورند و برای نمره گرفتن به استاد تحویل می‌دهند. لذا استادانی که اینجا هستند تصدیق می‌کنند که شاید در برهه‌های امتحانی دانشجویان کمتر از ۱۰ جمله کامل فارسی و بدون غلط انشایی و با خلاقیت زبان‌شناسانه ببینیم.»



دکتر سلیمی:
توانایی‌های
دانشجویان
در گنجاندن
اندیشه‌شان
در قالب متنی
صحیح بسیار
اندک است و من
شدت این موضوع
را در حد یک
بحران می‌دانم

و نوآوری و نظریه‌پردازی و طرحی نو در انداختن در عرصه اندیشه جهانی است، اما همه این‌ها مشروط به این است که بتوانیم این نقص بزرگ را، چه در محیط آموزشی و چه در عرصه‌های پژوهشی، برطرف کنیم.»

وی در آخر خاطر نشان کرد: «اگر دانش‌آموزان ما تنها به ماشین‌های حفظ و امتحان‌دهی تبدیل شوند، چگونه می‌توانیم در عرصه اندیشه‌های جهانی طرحی نو در اندازیم؟ چگونه می‌خواهیم استادان و دانشجویان را از پیروی محض از اندیشه‌های جهانی بر حذر بداریم؟ ما باید از آن‌ها بخواهیم محصول اندیشه خود را به درستی بنویسند و ارائه کنند. ما باید بخواهیم که فکر کنند و بنویسند؛ حتی اگر به درخشانی اندیشه اندیشمندان نباشد. باید نرم‌افزار ذهنی خود و دانشجویان را از نرم‌افزار مبتنی بر حافظه کوتاه‌مدت و هنر امتحان‌دهی، به نرم‌افزار خلاقیت و انشا تغییر دهیم.»



**دکتر حداد عادل:
تلاش ما برای
اینکه نسل آینده
روشن بنویسد،
در واقع تلاشی
است برای
اصلاح شیوه
تفکر**



انشا، ورزش اندیشیدن

دکتر غلامعلی حدادعادل،

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از دیگر سخنرانان این همایش بود. وی با اظهار خوشحالی از برگزاری این همایش و توجه به درس انشا گفت: «مدتی پیش در دیداری که با مدیران این همایش داشتیم، اعتقاد فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ضرورت چنین امری را اعلام کردم.

ما از ورود دانشگاهیان در حل مسائل آموزش و پرورش استقبال می‌کنیم و مطمئنم که آموزش و پرورش هم قدر دان تشخیص درست دانشگاه خواهد بود. امیدوارم این همایش مقدمه‌ای برای ادامه همکاری‌های سازنده در آینده باشد.»

وی درباره اهمیت درس انشا گفت: «به اعتبار صورت، انشا جامع همه دانش‌ها و مهارت‌های زبانی و ادبی است. تمام درس‌هایی که در زبان و ادبیات، دستور و املا آموزش داده می‌شود سرانجام در انشا ظاهر می‌شود. در مقام تشبیه، جایگاه درس انشا در میان درس‌های ادبیات و زبان مانند جایگاه هنر تئاتر در میان سایر هنرهاست. نمی‌توانید هنری را تصور کنید که در تئاتر جای جلوه نداشته باشد، چون هنر نمایش، بازآفرینی زندگی است و انشا نیز همین‌گونه است. از لحاظ ماده و محتوا هم خوب است به لفظ انشا توجه کنیم که در عربی به معنی به‌وجود آوردن و ایجاد و در مقابل املاست. در «املا» کسی که می‌نویسد،

گوش به سخن دیگری می‌سپرد و خودش خلق نمی‌کند، اما «انشا» برخلاف آن است؛ انشا یعنی از خود آفریدن و خلق مطلب.»

وی تأکید کرد: «بروز و ظهور بیرونی اندیشه، زبان گفتار و نوشتار است. ذهن روشن منشأ بیان روشن است و بیان روشن از ذهن روشن حکایت دارد. تلاش ما برای اینکه نسل آینده روشن بنویسد، در واقع تلاشی است برای اصلاح شیوه تفکر. در واقع درس انشا را نباید از آموزش تفکر جدا بدانیم، چرا که انشا در محتوا و درون‌مایه، ورزش اندیشیدن است.»

انشای خود را چگونه شروع کنیم؟

بهبود روش‌های تدریس، تربیت معلم و اصلاح مقررات آموزشی از جمله مواردی بود که دکتر حداد عادل برای توجه به درس انشا پیشنهاد داد. وی همچنین برخی از تجربیات خود را برای معلمان حاضر در این همایش بیان کرد و

گفت: «بسیاری از دانش‌آموزان می‌گویند که نمی‌دانند انشای خود را چگونه شروع کنند. یعنی نمی‌توانند فکر خود را مکتوب کنند و به اصطلاح دستشان به قلم نمی‌رود. برای این دسته توصیه می‌کنم همان‌گونه که حرف می‌زنند بنویسند. هنگام صحبت کردن درباره موضوع، صدایشان را ضبط کنند. سپس آن حرف‌ها را به کلمات نوشتاری تبدیل کنند. در این صورت ترس از نویسندگی از بین می‌رود.»

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به معلمان توصیه کرد که در انشا به سه سطح توجه داشته باشند. یک سطح در ارتباط با حس (آنچه می‌بینیم و می‌شنویم)، یک سطح در ارتباط با قوه خیال و سطح سوم در ارتباط با قوه عقل. وی در این باره توضیح داد: «هر یک از این سه سطح باید در انشا سهمی داشته باشد. در سطح نخست، باید دانش آموز را به دیدن درست واقعیت و بیان دقیق آن ترغیب کنیم. در قوه خیال باید قلمش را در وادی تخیل و عاطفه، احساس و هیجان توانا کنیم. در سطح سوم نیز باید به او درست و منطقی اندیشیدن و بیان درست اندیشه را بیاموزیم. البته در مرحله آموزش باید این سه سطح را از هم تفکیک کرد، اما در نهایت باید به‌سوی تلفیق این سه جنبه پیش برویم. آرمان ما در درس انشا باید بیان درست واقعیت و گزارش نویسی و به‌کار بردن رنگ آمیزی جذاب عاطفی و اسکلت‌بندی منطقی و عقلانی باشد.»

انشا درمانی

هوشنگ مرادی کرمانی،

خالق آثار ماندگاری همچون «قصه‌های مجید» و «شما که غریبه نیستید»، یکی دیگر از مهمانان همایش ملی انشا و نویسندگی بود. این نویسنده با اظهار خوشحالی از حضور در جمع معلمان انشا گفت:

«هر آنچه هستم نتیجه لطف، محبت، دانایی، هوشمندی و آزادی خواهی معلمان انشاست.» وی گفت: «یکی از دلایل اینکه انسان به نوشتن روی می آورد این است که دردی را درون خود حس می کند. بسیاری از بچه‌ها هم حرف‌هایی برای گفتن دارند که وقتی بگویند احساس سبکی می کنند. آن‌ها حس می کنند باید حرفشان را بگویند، و گرنه می میرند؛ درست مانند دانه‌ای که در خاک است و اگر جوانه نزند می میرد. اینجا می توان از انشادرمانی صحبت کرد. من در کتاب «شما که غریبه نیستید» همه چیز را در این باره گفته‌ام و نشان داده‌ام که نویسنده چگونه می تواند از انشا شروع کند و با انشا درمانی خود را بهبود بخشد.»

نویسنده کتاب «بچه‌های قالیباف‌خانه» در ادامه گفت: «تمام عمرم بیش از هر نویسنده‌ای در ایران، به زندگی خودم نوک زده‌ام و از زندگی خودم نوشته‌ام. در دنیای ادبیات هم نویسنده‌های زیادی مانند ماکسیم گورکی این گونه بوده‌اند. اصولاً معتقدم نویسنده‌ها به نوعی زندگی خود را می نویسند. برخی واضح این کار را انجام می دهند، مانند

مارکز و جک لندن و برخی در پرده. اما وقتی زندگی نامه‌های شاعران و نویسندگان را

می خوانیم، می بینیم که معمولاً کسی به آن‌ها کمک کرده است. این کار معلمان انشاست که باید استعدادیابی یا در واقع نویسنده و شاعر یابی کنند. معلمان انشا باید به بچه‌های مستعد اهمیت دهند تا استعدادشان حیف نشود.»

این نویسنده با نقل خاطره‌ای ادامه داد: «یک روز مدیر مدرسه‌ام، انشای مرا درباره مادر شنید و در دفترم نوشت: «فرزندم، خیلی خوب و جانسوز نوشته بودی و دل مرا به درد آوردی. من به خاطر احساس تو گریه کردم، اما بهتر نیست همین حرف‌ها را به شیرینی بنویسی، طوری که طنز داشته باشد؟» و بعد مرا به خواندن کتاب‌های مرحوم جمالزاده تشویق کرد. از آن پس بود که طنز وارد نوشته‌هایم شد. یعنی یک معلم با یک تلنگر، مسیر نوشتن مرا تعیین کرد.»

مرادی کرمانی در توصیه‌ای به معلمان آن‌ها را از تعصب بر حذر داشت و گفت: «تعصب برای معلم انشا سم است. معلم انشا نباید فکر کند که همه دانش‌آموزان باید مثل هم بنویسند. من هم محدودیت‌ها را می شناسم و می دانم هر چیزی را نمی توان نوشت، اما معلمی که آزاداندیش باشد، می داند که بچه‌ها برخلاف کلاس‌های درس‌های دیگر که حساب و کتاب خاص خود را دارند، در زنگ انشا باید خلاق باشند.»



مرادی کرمانی:
این کار معلمان انشاست که باید استعدادیابی یا در واقع نویسنده و شاعر یابی کنند. معلمان انشا باید به بچه‌های مستعد اهمیت دهند تا استعدادشان حیف نشود

نوشتن تنها فن نیست

دکتر نعمت‌الله فاضلی،

استاد دانشگاه علامه طباطبایی نیز، در سخنانی به علل ایجاد بحران نوشتن در جامعه پرداخت و گفت: «رویکرد ما به نوشتن، مناسب، مؤثر، دقیق و مطلوب نیست. درباره نوشتن دو رویکرد وجود دارد؛ یکی رویکرد شناختی و دیگری رویکرد شناختی-اجتماعی.

رویکرد شناختی موضوع نوشتن را امری ذهنی، زبان‌شناسانه و عاقلانه می‌داند. در این رویکرد، راه اصلاح بحران نوشتن و رسیدن به نوشته نوآورانه که نماینده اندیشه مستقل باشد، آموزش فنون نوشتن است. نظام آموزشی ما نیز همین رویکرد را به مقوله نوشتن داشته است و نوشتن را به حد فن تقلیل داده است. یعنی آن را از زمینه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جدا کرده است. از این‌رو، گمان می‌کنیم اگر معلمان انشای خوبی داشته باشیم، بحران انشا حل می‌شود، در حالی که این‌طور نیست.» این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه اگرچه روش‌های آموزش انشا مهم هستند، اما باید به رویکرد شناختی-اجتماعی در این موضوع هم توجه کرد گفت: «اگرچه نوشتن با ادبیات ارتباط تنگاتنگ دارد، اما نباید اجازه دهیم که این موضوع به مقوله‌ای ادبی تقلیل پیدا کند.



دکتر فاضلی:
نوشتن یک سازه اجتماعی و تاریخی و نوعی کنش ارتباطی است؛ امری است که در محیط، بستر و موقعیت به وجود می‌آید



**رجبی فرد:
برای اینکه بچه‌ها
بتوانند با آرامش
و امنیت خاطر
انشای خود
را بنویسند و
بخوانند، نمره
را از این درس
حذف کردم**

نباید تصور کنیم نوشتن مقوله‌های آموزشی است که تنها با اصلاح روش‌های آموزشی حل می‌شود؛ اگرچه آموزش هم مهم است. از این‌رو، رویکرد دومی که مطالعات جهانی به آن رسیده است، یعنی رویکرد شناختی-اجتماعی، مطرح می‌شود. براساس این رویکرد، نوشتن یک سازه اجتماعی و تاریخی و نوعی کنش ارتباطی است؛ امری است که در محیط، بستر و موقعیت به وجود می‌آید.»

دکتر فاضلی راه‌حلهایی برای حل بحران نوشتن ارائه کرد و گفت: «اگر می‌خواهیم دانش‌آموزان و دانشجویان نوشتن را بیاموزند، ابتدا باید توضیح دهیم که نوشتن چیست. نوشتن همان روش اندیشیدن است. باید زمینه تعامل و گفت‌وگوی آزاد در مدرسه و دانشگاه را فراهم کنیم تا بتوانیم بحران نوشتن را حل کنیم. نمی‌توان انواع محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و روش‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرایانه را در مدرسه و دانشگاه دنبال کرد و انتظار ارتقای نوشتن هم داشت. اگر می‌خواهیم دانش‌آموز و دانشجوی خلاق داشته باشیم، باید موقعیت‌ها و محیط‌های تعامل و ارتباط آزاد اندیشه، تولد انسان مستقل اندیشمند، تحمل آرا و تضارب آرا را فراهم کنیم. در غیر این صورت، با هیچ معلم و روشی به نتیجه نمی‌رسیم.»

یک تجربه

ارائه تجربیات معلمان از نخستین بخش‌های همایش ملی انشا و نویسندگی بود. خانم **رجبی فرد** معلمی است که با حذف نمره از درس انشا و ایجاد فضای آرام و بدون اضطراب در زنگ انشا، دانش‌آموزان را به نوشتن تشویق کرده است. وی درباره تجربه خود گفت: «برای اینکه بچه‌ها بتوانند با آرامش و امنیت خاطر انشای خود را بنویسند و بخوانند، نمره را از این درس حذف کردم. من معتقدم همه دانش‌آموزان نویسندگانی بالقوه‌اند که ان شاء الله بالفعل می‌شوند. به همین دلیل، برایشان توضیح دادم که هر کدام سبک نویسندگی خود را دارند و باید به آن اعتقاد داشته باشند.»

انتخاب موضوع خلاقانه برای انشا یکی دیگر از نکته‌هایی است که این معلم در کلاس انشا به آن توجه دارد: «همیشه سعی می‌کنم موضوعات انشا را خلاقانه انتخاب کنم. گاهی به صورت فی‌البداهه سه چهار موضوع را همراه بچه‌ها انتخاب می‌کنیم. هر کدام از دانش‌آموزان می‌توانند یک موضوع را انتخاب کنند یا حتی انشایی با تلفیق آن موضوعات

بنویسند. گرچه معمولاً نوشتن انشا امری فردی است، اما گاهی بچه‌ها را به نوشتن گروهی تشویق می‌کنم. این کار آن قدر در آن‌ها ذوق و شوق ایجاد می‌کند که حتی در زنگ‌های تفریح نوشته‌هایشان را برای هم می‌خوانند و جوابی برای یکدیگر می‌نویسند.»

این معلم در ادامه گفت: «استفاده از حکایت‌های فارسی، شعر، داستان‌های کوتاه و کاریکلماتورا که باعث می‌شود خلاقیت بچه‌ها بجوشد، همیشه در کلاس انشای ما جای دارد. گاهی هم دانش‌آموزان به من موضوع می‌دهند تا درباره‌اش انشا بنویسم و آن‌ها قضاوت کنند.»

البته رابطه این معلم با دانش‌آموزانش، حتی بعد از پایان سال تحصیلی هم ادامه دارد: «من حتی پس از پایان سال تحصیلی هم با دانش‌آموزانم ارتباط دارم. گاهی موضوع انشا را برایشان پیامک می‌کنم و آن‌ها هم می‌نویسند و از طریق تلفن برایم می‌خوانند یا ایمیل می‌کنند. این موضوعی است که برایم اهمیت زیادی دارد، چون با وجود اینکه دیگر دانش‌آموزم نیستند، اما همچنان مشتاق‌اند موضوعی برای نوشتن داشته باشند و بنویسند»



فراخوان ارسال مقاله برای نخستین همایش ملی انشا و نویسندگی با عنوان «نگاهی نو به برنامه درسی انشا» سال گذشته منتشر شد. کمک به شکل‌گیری گفتمان ناظر به ارتقای جایگاه انشا در برنامه درسی مدارس ایران، شناسایی وضعیت موجود آموزش انشا در ایران، شناسایی راهکارهای ترویج نوشتن در سایر حوزه‌های یادگیری و معرفی راهکارهای نوین آموزش انشا، از جمله اهداف این همایش بودند. به گفته **علیرضا صادقی**، دبیر همایش، ۲۶۰ مقاله به دبیرخانه این همایش فرستاده شدند که به دلیل سخت‌گیری در محتوای مقالات، ۶۰ مقاله پیش از رسیدن به کمیته داوران از چرخه حذف شدند. در این همایش یک روزه، مقالاتی در دو نوبت صبح و بعدازظهر ارائه شدند و در نهایت از نویسندگان مقالات برتر تقدیر شد.